

ارزیابی و نقد نظریه اعجاز عددی قرآن کریم

منصور پهلوان^{۱*}، سعید شفیعی^۲

^۱استاد دانشگاه تهران، ^۲دانشجوی دکتری دانشگاه تهران
(تاریخ دریافت مقاله: 1388/4/9 - تاریخ پذیرش نهایی: 1388/12/19)

چکیده

فراگیر شدن رایانه‌ها و برنامه‌های نرم‌افزاری، در پژوهشها و مطالعات دینی نیز، تحول بزرگی پدید آورد. برای اولین بار، این استاد عبدالرزاق نوفل (ت 1984) بود که واژه «اعجاز» را در زمینه تناسب اعداد در قرآن به کار برد و در کتاب «الاسلام دین و دنیا» چنین آورد که دو واژه دین و دنیا در قرآن به تعداد برابر به کار رفته‌اند؛ اما پر سر و صداترین پژوهشها را دکتر محمدرشاد خلیفه، شیمیدان مصری مقیم آمریکا (ت 1990) انجام داد و با استفاده از رایانه، مدت 4 سال به پژوهش درباره کلمات قرآن پرداخت. بر این نظریه، در هر دو قسم صغروی و کبروی، اشکالات بسیاری وارد است؛ اشکالاتی که مختص عدد خاصی مانند عدد 19 نیست و مربوط به همه اعداد است؛ زیرا هر فرد یا گروهی، بسته به علاقه خود می‌تواند عددی مثل 5 و 6 و 7 و 12 و... را معیار قرار دهد و به نتایجی دست یابد؛ بنابراین اطلاق اعجاز برای این نظریه، صحیح به نظر نمی‌رسد و تنها می‌توان آن را شگفتی در تناسب اعداد نامید. باید افزود که انتظار اعجاز عددی از قرآن، توقعی نابجاست و نمی‌توان پذیرفت که خدای متعال با بندگان خود از طریقی عوام‌فریبانه سخن گفته باشد. اعجاز قرآن در نگاه نخست و برای اعراب جاهلی صدر اسلام و مردمان هرجوی دورانه‌های بعد، در زیبایی‌های شگفت‌آور ظاهری و تأثیرگذار آن، اعم از بلاغت و هماهنگی‌های صوتی و عددی و... است؛ و در نگاه عمیق و موشکافانه، معارف و دانشهای والای الهی آن.

کلیدواژه‌ها اعجاز قرآن، اعجاز عددی، نظم ریاضی قرآن، شگفتی در تناسب اعداد.

طرح مسأله

پیشینه بحث

فراگیر شدن رایانه‌ها و برنامه‌های نرم‌افزاری، در پژوهشها و مطالعات دینی نیز، تحول

بزرگی پدید آورد. در میان پژوهشگران مسلمان معاصر، نخستین بار¹ مصلح بزرگ، بدیع الزمان سعید نورسی (1873-1960م) در کتاب *اشارات الاعجاز فی مظان الایجاز* و برخی نوشته‌های خود، در ضمن بحث از تناسق لفظی واژه‌های قرآن، به برخی هماهنگی‌های عددی الفاظ قرآن نیز اشاره کرد. اما برای اولین بار این استاد عبدالرزاق نوفل (ت 1984) بود که واژه «اعجاز» را در این زمینه به کار برد و در کتاب «الاسلام دین و دنیا» (چاپ شده در 1959م) چنین آورد که دو واژه دین و دنیا در قرآن به تعداد برابر به کار رفته‌اند و این کار را برای واژه‌های «ملائکه» و «شیطان» در کتاب «عالم الجن والملائکه» ادامه داد.

پرسر و صداترین پژوهشها را دکتر محمد رشاد خلیفه، شیمیدان مصری مقیم آمریکا (ت 1990) انجام داد و با استفاده از رایانه، مدت 4 سال به پژوهش درباره کلمات قرآن پرداخت. در سال 1972م، مجله مصری «آخر ساعة»، گزارشی از نتایج پژوهش رشاد خلیفه را در مقاله «فی آمریکا بالعقول الالکترونیة یفسرون القرآن الکریم» منتشر کرد و بدین ترتیب، مدّعی کشف اعجاز عددی قرآن، از طریق بررسی حروف مقطعه قرآنی و بر این اساس که عدد 19 مخرج مشترک سراسر سیستم ریاضی قرآن است، شد. به‌زودی این خبر در رسانه‌های جمعی منتشر شد و احساس شادی و غرور در دل‌های مسلمانان پیرو قرآن جان دوباره‌ای گرفت. بسیاری از مؤمنان بر آن شدند تا خود این کشف تازه را آزموده و در این راه به نتایج نوی نیز دست یافتند. سپس عبدالرزاق نوفل کتاب «الاعجاز العددي فی القرآن الکریم» را در سال 1975م بر مبنای کشف تناسب در تکرار الفاظ قرآن تألیف کرد.

پس از آن، پژوهشها و نوشته‌ها در این زمینه فراوان شد، و برای نمونه دکتر ابو زهرا نجدی در کتاب «من الاعجاز البلاغی و العددي للقرآن الکریم»، مهندس عدنان رفاعی در کتاب «المعجزة»، بسام جرار در «إرهاصات الاعجاز العددي»، عاطف علی صلیبی در

1. هرچند شبیه به این نظرات، از قدیم در مباحث حروف جَمَل (حروف ابجد یا در روایتی از پیامبر (ص): حروف "ابی جاد") مطرح بوده و آثار آن در اندیشه‌های دیدگاه اعجاز عددی نیز پا برجاست. باید افزود که اندیشه‌های پیروان حساب اعداد و حروف نیز همواره با انتقاد محققان مسلمان روبرو بوده است. (نک: میر محمدی، 24-25؛ ابن حجر، 303-301/11؛ سیوطی، 26-25/2؛ طباطبایی، 1/مقدمه، ص 7).

«أسرع الحاسبين»، احمد عبدالهادی عبدالصغیر در «التوثیق الرقمی لأسماء الله الحسنی»، محمد هویدی در «اسرار القرآن الرقمية فی آیات العترة النبوية» و بسیاری دیگر کارهای عبدالرزاق نوفل و دکتر رشاد خلیفه را پی گرفتند. هنوز هم، با توجه به گسترش کامپیوتر و نرم افزارها، اشخاص زیادی از طریق رایانه در جستجوی نظم ریاضی قرآنند.

از سوی دیگر، تعداد اندکی از اندیشمندان مسلمان به نقد این دیدگاه‌ها پرداختند؛ استاد حسین ناجی محمد از اولین کسانی است که تئوری رشاد خلیفه را در کتاب «التسعة عشر ملکا» نقد کرد. دکتر محمدحسن هیتو در کتاب «المعجزة القرآنية» و احمد خالد شکری در کتابچه «مقولة الاعجاز العددی» از دیگر نقادان اعجاز عددی قرآن هستند.

در ایران نیز، از این موضوع سخن رفته و برخی به تأیید این دیدگاه پرداخته‌اند؛^۱ برخی دیگر با آن مخالفت کرده‌اند؛^۲ و برخی با دیدگاهی میانه، آن را تنها به عنوان یک نظریه مطرح کرده و حکم بر صحت یا بطلان آن را به آیندگان واگذار کرده،^۳ یا آن را نوعی شگفتی دانسته‌اند، نه اعجاز قرآن.^۴ اما به جز نقد مرحوم عباس یزدانی در مقاله‌ای کم‌حجم، اما پرمایه با نام «اعجاز عددی و نظم ریاضی در قرآن»، دیگر نظرات مطرح شده بدون بررسی عمیق، و تنها حاوی مباحث نظری، و پاره‌ای نقل قول از صاحبان این نظریه است و هیچ‌یک در صدد بررسی دقیق آمارها و تشخیص راستی یا ناراستی آن برنیامده‌اند.

بر این نظریه، در هر دو قسم صغروی و کبروی، اشکالات بسیاری وارد است که در اینجا، ابتدا از اشکالات کبروی (مبنایی) سخن می‌رود و در ادامه، به اشکالات صغروی (آماري) این نظریه می‌پردازیم و در ادامه برخی کتابها که در این زمینه نوشته شده‌اند را بررسی خواهیم کرد. پیش از بیان این اشکالات، باید بگوییم که اولاً این مبحث مخصوص به عدد خاصی مانند عدد 19 نیست، و اشکالات مربوط به همه اعداد است؛

1. نک: تناسب‌های اعجاز عددی»، گفت وگو با سید محسن میرباقری و سید مهدی فاطمیان، ص 14 و 15.

2. «توهم اعجاز در تناسب اعداد»، جعفر نکونام، ص 15؛ عباس یزدانی، «اعجاز عددی و نظم ریاضی در قرآن»، ص 69.

3. نک: ترجمه عربی تفسیر نمونه (الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل)، 385-379/2.

4. «اعجاز نه، شگفتی»، سید رضا مؤدب، ص 14.

60

زیرا هر فرد یا گروهی، بسته به علاقه خود می‌تواند عددی مثل 5 و 6 و 7 و 12 و... را معیار قرار دهد و به نتایجی دست یابد، که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد؛⁵ و ثانیاً صحت برخی از آمارها را - که بر پایه بررسیهای این قلم، صحیح‌ترین آمارها مربوط به پژوهشهای عبدالدائم الکحیل درباره عدد 7 است - نمی‌توان برای همه واژگان و آیات قرآن کریم تعمیم داد و چه بسا موارد نقض آن از موارد صحت آمارها بیشتر است؛ بنابراین اطلاق اعجاز برای این نظریه، صحیح به نظر نمی‌رسد و تنها می‌توان آن را شگفتی در تناسب اعداد نامید. دلیل ما بر این سخن آن است که به آیات الهی تحدی شده و این تحدی در همان زمان نزول قرآن و کامل نشدن آیات بوده است و امکان آوردن جملاتی با این شگفتیها، آن‌هم در حد یک سوره، وجود داشته است. علامه طباطبایی می‌نویسد: «اعجاز قرآن را نمی‌توان در بعدی خاص مانند تناسب اعداد یا صوت، اخبار از غیب، فصاحت، بلاغت، یا دیگر وجوهی که محققان از آن یاد کرده‌اند، دانست، بلکه اعجاز قرآن - آن‌چنان که از آیات تحدی‌اش برمی‌آید - در همه شگفتی‌هایی است که در آن وجود دارد و در کنار هم است که اعجاز محقق می‌شود؛ زیرا در آیات تحدی، تحدی به مثل با همه صفات شده است و در هیچ آیه‌ای از قرآن نیامده که ویژگی مهم آن در چیست...» (طباطبایی، 1/ 59-60).

الف) اشکالات مبنایی

در این دسته از اشکالات، اساس کار بر این است که حتی اگر همه نتایج معتقدان به این دیدگاه صحیح باشد، که نیست، باز مبنای این کار استوار نیست؛ زیرا این عده از اهداف و شیوه خود قرآن در هدایت و خطاب، دور شده‌اند و کتاب خدا را با مقاصد خود تطبیق داده‌اند. این اشکالات، در ذیل این عناوین، قابل طرح است:

1- انحراف از مقاصد قرآن

قرآن همواره خود را کتاب هدایت خوانده و همه‌جا سخن از ذکر و نور و محتوای هدایت‌گر کتاب خدا است و در هیچ آیه‌ای از آیات کتاب الهی، هیچ اشاره و کنایه‌ای

5. تاکنون بیشترین انتقادات، حتی از سوی موافقان اعجاز عددی، بر دیدگاه‌های رشاد خلیفه بوده است، و این به‌خاطر ادعاهای دروغین وی بر مبنای عدد 19 و دعوی نادرست نبوت و پیشگویی قیامت بوده است، اما کمتر نقدی درباره سخنان محققان بعدی انجام گرفته است. این در حالی است که با تغییر عدد از 19 به 7 یا 12 و... اصل و اساس اشکال از میان نمی‌رود.

به وجود نظم ریاضی در قرآن دیده نمی‌شود. بزرگان دین نیز قرآن را کتاب هدایت و عمل معرفی کرده و از ما خواسته‌اند برخورد ما با قرآن، مانند برخورد بیمار با نسخه پزشک باشد و خود را به اینگونه امور انحرافی مشغول نسازیم. مرحوم یزدانی^۱ معتقد است: اگر چه قرآن کلام خداوند و معجزه جاودان است، اما توقع نظم ریاضی توقع بی‌جایی از قرآن است. این توقع مثل توقع آشنایی به موسیقی از کسی است که بزرگ‌ترین نقاش یا معمار جهان شناخته شده است. قرآن نیز خود را بزرگ‌ترین کتاب هدایت و سعادت معرفی می‌کند و از قرآن نیز همین مقدار باید توقع داشت، نه آنکه توقع داشته باشیم همه مجهولات حوزه‌های مختلف معارف بشری به کمک قرآن حل شود و یا اسامی همه شهرها و روستاها و رجال سیاسی و علمی در قرآن وجود داشته باشد. جمله «لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»^۲ نیز نباید ما را به اشتباه بیندازد؛ زیرا معلوم نیست منظور از «کتاب مبین» قرآن باشد و ثانیاً این جمله، می‌تواند به این معنا باشد که هرچه مربوط به سعادت و هدایت انسان است در قرآن پیدا می‌شود. نظیر آنکه شخصی کتاب بزرگی در پزشکی تألیف کند و به ما بگوید: «هرچه بخواهید در این کتاب پیدا می‌کنید» که قطعاً منظورش این خواهد بود که هرچه از مقوله پزشکی بخواهید در این کتاب ثبت شده است، نه آنکه راجع به فن تعبیر خواب هم این کتاب جواب‌گو است و اگر چیزی از فن تعبیر خواب در آن پیدا نکردیم، روا باشد، به او اعتراض کنیم که تو گفתי هرچه بخواهید در این کتاب پیدا می‌کنید. ممکن است کسی که طرفدار تئوری نظم ریاضی باشد، بگوید این مطالب چیزی را اثبات نمی‌کند. شما در نهایت می‌توانید بگویید رشاد خلیفه و امثال وی نتوانسته‌اند نظم ریاضی قرآن را کشف کنند، ولی حق ندارید به کلی منکر نظم ریاضی قرآن بشوید. شاید انسان‌ها در قرون آینده چنین نظمی را کشف کنند. در پاسخ می‌گوئیم: با شما در این نظر موافقیم که شاید صدها سال بعد چنین نظمی کشف شود، ما نیز عدم الوجدان را معادل عدم وجود نمی‌دانیم. اما این مطلب صرف احتمال عقلی است و این مقدار کافی نیست تا انگیزه تحقیق و صرف عمر باشد. با احتمال عقلی در هر بیابانی اگر کاوش کنیم، شاید به گنج برسیم. ولی این مقدار انگیزه، عقلاً را برای کند و کاو تحریک نمی‌کند. آری، اگر

۱. اعجاز عددی و نظم ریاضی در قرآن، ص 69.

۲. أنعام، 59.

62

دستگاه‌های گنج‌یاب علائمی دال بر وجود گنج یا فلز دیگر نشان دهند، عقلا به کاوش و جستجو مشغول می‌شوند. سخن ما این است که دستگاه‌های گنج‌یاب، یعنی خود قرآن و پیشوایان معصوم هیچ ردپایی از نظم ریاضی در قرآن به ما نشان نداده‌اند؛ بلکه پیوسته ما را به محتوای قرآن توجه داده‌اند، تا ساختار لفظی آن. قرآن و روایات این کتاب آسمانی را نسخهٔ پزشک خوانده و آن را داروی دردهای روحی ما شناخته‌اند و کسی که به جای عمل به قرآن، به جستجوی آماری در الفاظ و کلمات قرآن می‌پردازد، شبیه شخص مریضی است که بعد از مراجعت از مطب دکتر به جای تهیه دارو و عمل به نسخه در گوشه‌ای بنشیند و به نوشته‌های نسخه چشم بدوزد و ناگهان متوجه شود خط اول نسخه دقیقاً از ده کلمه، خط دوم از 9 کلمه، خط سوم از 8 کلمه، خط چهارم از 7 کلمه و خط پنجم از 6 کلمه تشکیل شده است و تعداد حروف موجود در هر خط به ترتیب مضرب صحیحی از اعداد 10 و 9 و 8 و 7 و 6 باشند. یا خط اول نسخه را اگر از سمت چپ بخوانیم به نام و فامیل دکتر می‌رسیم و خط آخر را اگر از سمت چپ بخوانیم، به نام و فامیل مریض می‌رسیم و با کشف این حقائق مشعشع، چنان شگفت‌زده و خوشحال شود که بیماری خود را از یاد ببرد و روزها و هفته‌ها به آمارگیری حروف و کلمات نسخه از زوایای مختلف مشغول شود تا مریضی، او را از پای درآورد.¹

2- بی‌توجهی به زبان قرآن

قرآن در ارتباط با مردم، از زبان عقلانی جاری و مرسوم بین عقلا بهره می‌گیرد و بسیار بعید است که خدای حکیم با مخاطبین خود از طریق معما و لغز ارتباط برقرار کند و اگر بخواهد امری را معماگونه بیان کند، معمای او باید به گونه‌ای باشد که تا قیامت معما بماند. چه، اگر بشر بتواند چیزی را که مشیت خدا آن را معما خواسته است کشف کند، نوعی نقص و ضعف برای خداوند خواهد بود. به نظر ما حروف مقطعه قرآن از این مقوله‌اند، یعنی شواهد و قرائن نشان می‌دهد که خداوند می‌خواهد این حروف در قالب رمز و معما باقی بمانند و یا تاریخ دقیق قیامت به تصریح خود قرآن از این مقوله است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) رُوي عَنْكُمْ أَنَّ الْخَمْرَ وَالْمَيْسِرَ وَالْأَنْصَابَ وَالْأَزْلَامَ رَجَالٌ فَقَالَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُخَاطَبَ خَلْقُهُ بِمَا لَا يَعْقِلُونَ»

1. البته استفادهٔ شاعرانه از بعضی تناسبهایی کشف شده اشکالی ندارد، چنان‌که شعرا می‌گویند: از اینکه خداوند دو گوش و یک زبان به ما داده، نتیجه می‌گیریم که باید دو برابر آنچه می‌گوییم، بشنویم. اما باید توجه داشته باشیم که این یک بیان خطایی و شاعرانه است، نه علمی و برهانی.

(حرّ عاملی، 121/12) یعنی: «به امام صادق (ع) عرض شد: روایت شده که {مقصود از} شراب و قمار و آنچه به نام بتها قربانی میکردند و ازلام، مردانی هستند؛ {شما چه می فرمایید؟} فرمود: هرگز خدا با مردم طوری صحبت نمی کند که درک نکنند.» براساس این حدیث، تفسیرهای باطنی بدون قرینه و ضابطه، همه مردود است و اثبات تناسبهای عددی و نظم ریاضی در قرآن، آن هم با عبور از راههای مارپیچ، یکی از مصادیق آن است. برای نمونه چگونه می توان پذیرفت که قرنهای مفسران کلام وحی، از راز اینکه چرا در آیه 96 سورة آل عمران، به جای واژه "مکه"، "بکه" به کار رفته، در مانده بودند تا اینکه در ژانویه سال ۱۹۷۴ / برابر با ذیحجه سال ۱۳۹۳ هجری، رشاد خلیفه بیاید و "کد ریاضی قرآن" را کشف کند و همه را از حیرت درآورد؟!

3- توانایی بشر بر تناسق عددی

رعایت تناسق و هماهنگی در اعداد، از عهده بشر بیرون نیست و مثلاً می توان اسرار عددی را در تألیف یک کتاب در نظر داشت و از آغاز بین ابواب و فصول و تعداد جملات آن چنین نظمی را جاسازی کرد. مثلاً بعید نیست که با شمردن برخی کلمات، در کتابی مثل دیوان حافظ یا غزلیات مولوی، به نتایجی مشابه با کارهای انجام شده پیرامون اعجاز عددی قرآن دست یابیم. همچنین با شمارش واژه «یوم» در قصیده مشهور امرؤ القیس - شاعر مشهور جاهلیت که حدود سه دهه پیش از ولادت پیامبر اسلام در گذشته است - که از او به عنوان یکی از "معلقات سبعة" به یادگار مانده است و با مصرع: "قِفَا نَبْکِ مِنْ ذِکْرِی حَبِیبٍ وَمَنْزِلٍ" آغاز می شود، می توان دریافت که این کلمه 6 بار در این قطعه شعر آمده است (ابیات 4، 9 (دو بار)، 10، 12 و 17)، که به تعداد شماره خلقت آسمانها و زمین در قرآن کریم است، و در هفت آیه قرآن به آن اشاره شده است، از جمله: «وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ»^۱. این خود نوعی نظم و تناسق است که برای شاعری در آن دوران، می تواند نوعی اعجاز خفیف به شمار آید. بنابراین هماهنگی و تناسق عددی در قرآن إعجاز نیست؛ زیرا دیگران نیز بر انجام آن قادرند.

4- تعدد قرائات و مسائل اختلافی در علوم قرآن

پیشینیان، در بسیاری از مسائل متعلق به علوم قرآن، مانند تعداد آیات قرآن، ترتیب سوره‌ها، شمارگان آیات، رسم الخط قرآن، و... اختلاف داشته‌اند، و از آنجا که این مسائل، مواد خام پژوهشگران اعجاز عددی را تشکیل می‌دهد، نتایجی که یک پژوهشگر به اعتبار قرائتی بدان دست می‌یابد، به تمامی با دیگر قرائات مطابقت نخواهد داشت. برای نمونه، بسام جرار تعداد حرف «تاء» را در سوره نوح 34 عدد شمارش کرده است. این عدد مطابق با قرائت حفص در واژه «خَطِئَاتِهِمْ»¹ صحیح است، اما در قرائت ابو عمرو به شکل «خَطَايَاهُمْ» خوانده شده و تعداد حروف تاء 33 عدد خواهد بود (نک: شکری، 30-29).

همچنین رشاد خلیفه معتقد است از غیبت «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای سوره 9 (توبه)، تا «بسم الله الرحمن الرحيم» اضافی در سوره 27 (نمل)، 19 سوره واقع شده است و این یکی از چند شاهد وی برای تقدیس عدد 19 است. حال آنکه بر پایه دیدگاه اغلب دانشمندان علوم قرآنی، ترتیب سوره‌های قرآن توقیفی نیست و با رأی صحابه انجام شده است، چنانکه ترتیب سوره‌ها در مصاحف صحابه با یکدیگر تفاوت داشته است و هیچ دانشمند و فقیه مسلمانی، مثلاً ختم قرآن، از انتها تا آغاز آن را نادرست نمی‌شمارد.

ب) اشکالات آماری

در این اشکالات، به این مبحث می‌پردازیم که اکثر آمارهایی که توسط معتقدان به این نظریه ارائه شده، باطل است و در واقع صغرای مدعا محقق نیست.

1- پیروی نکردن پژوهشها از قواعد منطقی

برای اثبات منطقی یک اصل و قاعده باید بتوان آن را بر همه یا بیشتر مصادیق آن تطبیق داد و به اصطلاح، استثنای اکثر قبیح است؛ بنابراین نمی‌توان گفت همه سوره‌های قرآن فلان ویژگی را دارند، به جز صد سوره. این اشکال، از اساسی‌ترین اشکالات وارد بر اغلب پژوهشگران اعجاز عددی است که پس از تطبیق دیدگاه خود با بخشی از آیات و واژه‌های قرآن کریم، بیشترین آیات را ناهماهنگ با فرضیه خود می‌یابند و از این‌رو به توجیهاتی شگفت و غریب روی می‌آورند تا استثناهای فراوان

نظریه خود را بیوشانند. برای نمونه، رشاد خلیفه در مورد حروف مقطعه به این نتیجه رسید که همواره معدل توارد و تکرار حروف مقطعه در سوره‌ای خاص بر معدل توارد و تکرار حروف دیگر تفوق دارد. چنانکه در سوره «ق»، حرف «ق» معدلی بالاتر از سایر حروف در این سوره و سایر سوره‌های قرآن دارد و یا حرف «ن» در سوره «ن و القلم» بزرگترین رقم نسبی را در 114 سوره قرآن دارد.

اما موارد نقض و استثنای این دیدگاه از اصل قاعده بیشتر است، برای نمونه، معدل تکرار حرف «ق» در سوره‌های «الشمس»، «القیامة» و «الفلق» از معدل تکرار این حرف در سوره «ق» بیشتر است (نک: رشاد خلیفه، 111) یا در مورد سوره «یس» نتیجه کاملاً معکوس است؛ یعنی حروف «ی» و «س» کمترین تکرار را به خود اختصاص داده است. نیز در مورد حرف «ن» می‌بینیم تکرار آن در سوره حجر بیشتر از تکرار آن در سوره «ن و القلم» می‌باشد. اینجاست که رشاد خلیفه به توجیه رو آورده و مطالبی به هم می‌بافد که هیچ معقول به نظر نمی‌آید. مثلاً در مورد سوره یس و اینکه چرا نتیجه معکوس است، می‌گوید: چون «یس» بر خلاف بقیه حروف مقطعه برعکس ترتیب حروف الفبایی است؛ پس نتیجه نیز باید معکوس و وارونه باشد. یا برای پاسخ به استثنای سوره حجر می‌گوید: سوره حجر با «الر» شروع شده است و ما باید همه سوره‌هایی را که با «الر» شروع می‌شود، در حکم یک سوره قرار دهیم (نک: همان، 277).

2- خطاهای پژوهشگران در شمارش و گزینش آیات و واژه‌ها

اشکالاتی که در اینجا بیان می‌شود، با فرض خطای سهوی و اشتباه در آمارگیری است، که احتمالاً به‌خاطر دقت اندک در محاسبات رایانه‌ای پژوهشگران بوده است؛ برای نمونه رشاد خلیفه می‌گوید: واژه «قرآن» ۵۷ مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است. (= 19 ضربدر 3) روشن نیست وی این عدد را چگونه به دست آورده است؛ زیرا این واژه در حالت‌های مختلف مرفوع، منصوب و مجرور، و معرفه و نکره، مجموعاً 70 بار در قرآن کریم به کار رفته است. و ما هر چه تلاش کردیم در یک یا چند حالت به عدد 57 دست بیابیم، موفق نشدیم.

از این دست خطاهای سهوی و بررسی‌های گزینشی آیات و واژه‌ها در آمارگیری‌ها فراوان است که در بررسی کتابهای اعجاز عددی، به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

3- بررسی گزینشی آیات و واژه‌ها

اشکال مهمی که بر بسیاری از پژوهشها در اعجاز عددی قرآن وارد است، بررسی گزینشی آیات و واژه‌ها، در جهت رسیدن به دیدگاه مطلوب است. به‌طوری که با نادیده انگاشتن برخی الفاظ، عملاً به فریفتن مخاطبان خود پرداخته و نص قرآنی را بر اهداف و مقاصد خود حمل کرده‌اند. مثلاً مهندس عدنان رفاعی کتاب «المعجزة» را با تهیه آمارهایی از کلمات قرآن تألیف کرده است؛ از جمله می‌نویسد: کلمه «یوم» به صورت مفرد 365 مرتبه در قرآن آمده است، زیرا اگر «ایام» و «یومین» را به حساب آوریم، به عدد مطلوب نمی‌رسیم. اما باز هم منظور ایشان تامین نمی‌شود، زیرا «یومئذ» و «یومکم» و «یومهم» نیز باید از لیست خارج شود؛ در حالی که اینها هم مفردند. اگر منظور ایشان از مفرد این است که به «یوم» هیچ حرفی متصل نباشد، در آن صورت «بالیوم» و «الیوم» و «فالیوم» را نیز باید از لیست خارج کنیم، که در این صورت آمار ما از 365 بسیار کمتر خواهد شد.

ج) سیر پژوهشهای اعجاز عددی و ارزیابی آنها

در اینجا به بررسی برخی کتابهای مربوط به اعجاز عددی خواهیم پرداخت و سعی بر آن بوده است تا کتابها به صورتی انتخاب شوند که دیدگاه‌های گوناگون در این زمینه مورد توجه قرار گیرند.

1- پژوهشهای رشاد خلیفه

پژوهشهای رشاد خلیفه، به‌خاطر سبقت در این نظریه، از هر دو سوی موافقان و مخالفان این دیدگاه همواره مورد توجه بوده است. بنای کار رشاد خلیفه بر عدد 19 است؛ به طوری که در پژوهشهای خود به تقدیس این عدد می‌رسد. مثلاً وی معتقد است که جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» که اولین آیه قرآن است، دارای 19 حرف است و تک تک کلمات این جمله، به لحاظ تکرار در قرآن، قابل تقسیم بر عدد 19 به کار رفته است. چنان‌که در کل قرآن 19 مرتبه «بسم» آمده است؛ تعداد کلمه «الله» 2698 مرتبه (= 142 ضربدر 19)؛ «الرحمن» 57 مرتبه (3 ضربدر 19)؛ و «رحیم» 114 مرتبه (= 6 ضربدر 19) است که همه مضرب صحیح عدد 19 هستند.

اما با بررسی دقیق روشن می‌شود که به‌جز رقم 57، دیگر اعداد نادرست است، آن هم مشروط بر اینکه «الرحمن» را در «بسم الله» سورة حمد به حساب آورده و در بقیه «بسم الله»‌های قرآن به حساب نیاوریم. برای نمونه، واژه «بسم» 22 مرتبه به کار رفته

است نه 19 مرتبه؛ و آمار دقیق لفظ جلاله «الله» در قرآن 2699 بار است؛ علاوه بر آنکه برای رسیدن به این عدد، باید «بالله»، «تالله»، «لله» و «فالله» را به حساب آورد؛ اما «اللهم» را از حساب خارج کنیم؛ همچنین کلمه «رحیم» 115 بار تکرار شده است، نه 114 بار (نک: الکحیل، 15).

خلیفه می‌نویسد: اولین آیات معروفی که وحی شد (آیات 1-5 سوره علق) شامل ۱۹ کلمه است. این سخن مبنای درستی ندارد؛ زیرا مشخص نیست منظور وی از کلمه چیست. آیا وی حروف را نیز جزو کلمات می‌داند یا خیر؟ از رقمی که ارائه می‌دهد، ظاهراً بر می‌آید که چنین نیست. اما اگر تنها اسم و فعلها را شمرده باشد، باز صحیح نیست، زیرا مجموع اسم و فعلها (بدون احتساب بسم الله الرحمن الرحیم) 20 کلمه می‌شود. شاید وی، به خطا، "ما"ی موصول را حرف دانسته باشد. درباره آخرین سوره فرستاده شده (سوره ۱۱۰ = نصر) نیز دقیقاً همین اشتباه را تکرار کرده است. خلیفه در ادامه می‌افزاید: اولین وحی دارای ۷۶ حرف است، یعنی ۱۹ ضربدر ۴. این سخن نیز درست نیست و تعداد حروف از 76 بیشتر است.

رشاد خلیفه معتقد است که مجموع آیات در قرآن ۶۳۴۶ آیه است که می‌شود: ۱۹ ضربدر 3۳۴؛ اما می‌دانیم که تعداد آیات قرآن در هیچ‌یک از ارقامی که متخصصان علوم قرآنی آورده‌اند، این عدد نیست. ابو عمرو دانی این اعداد را ذکر کرده 6214، 6225، 6236 (نک: سیوطی، 181/1) که عدد اخیر منسوب به امیرالمؤمنین علی (ع) و از همه مشهورتر است. خلیفه برای رسیدن به عدد دلخواه خود، می‌گوید: ۶۲۳۴ آیه شماره‌گذاری شده است و ۱۱۲ آیه (بسم الله) شماره‌گذاری نشده است، که مجموع آنها می‌شود $6346 = 6234 + 112$. می‌بینیم که چگونه همه چیز را برای رسیدن به هدف خود، توجیه می‌کند. وی می‌افزاید: سوره ۹۶ (علق) که از نظر ترتیب زمانی اولین سوره است، دارای ۱۹ آیه است. شگفت آن است که در شمارش مجموع آیات قرآن، «بسم الله» اول سوره‌ها را منظور کرد تا به عدد دلخواه برسد، اما در اینجا «بسم الله» را به شمار نمی‌آورد.

به نمونه دیگری که وی آن را نشانه‌هایی از انشای ریاضی قرآن می‌خواند، توجه کنید: تعداد تکرار "ق" در سوره "ق"، ۵۷ مرتبه است. (= ۳ ضربدر ۱۹) از سوی دیگر، در آیه سیزدهم همین سوره، از مردمی که به لوط کافر شدند، با نام «إخوان لوط» یاد شده، در حالی که در همه 12 مورد دیگر از آنها به عنوان «قوم» اشاره شده است. خلیفه

68

نتیجه می‌گیرد که: واضح است که اگر در سوره «ق» نیز از «قوم» استفاده شده بود، شمارش حرف "ق" در سوره «ق» می‌شد ۵۸، و این پدیده به کلی از بین می‌رفت. صحت و دقت مطلق ریاضی طوری است که تغییر تنها یک حرف، این سیستم را به کلی از بین می‌برد.

این نتیجه در آغاز برای خواننده شگفت‌انگیز است، اما اگر حرف "ق" را در سوره «ق» به دقت شمارش کنیم، در می‌یابیم که تمام فرضیات وی بر پایه‌ای سست بنا شده است؛ زیرا تعداد این حرف، بدون احتساب حروف مشدد، 56 بار؛ و با احتساب حروف مشدد، 64 مرتبه در این سوره تکرار شده است، و هیچ اثری از عدد 57 وجود ندارد. همچنین وی سوره ناس را، که آخرین سوره قرآن است، دارای 114 حرف می‌داند که مضرب 19 است. معلوم نیست که وی، چگونه محاسبه کرده است؟ زیرا این سوره بدون احتساب «بسم الله» دارای 84 حرف (با احتساب حروف مشدد) است و با احتساب «بسم الله» 103 حرف می‌شود که هیچ کدام مضرب 19 نیست.

رشاد خلیفه سرانجام زمان وقوع قیامت را نیز تعیین و ادعا کرد که با حساب ارقام، قیامت در سال 1710 هـ/ 2280 م رخ خواهد داد. جرأت و سرکشی رشاد خلیفه در این رأی، در برابر آیه صریح «قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي»¹، بر هیچ کس پوشیده نیست (نک: شکری، 52).

2- عبدالرزاق نوفل و کتاب «الإعجاز العددي»

به روشنی معلوم نیست این قرآن‌پژوه مصری پژوهشهای خود را درباره تناسب الفاظ قرآن بر چه مبنایی سامان داده است؛ هر چند خود ایشان در مقدمه کتاب «الإعجاز العددي» به شکلی مبهم، آن را در سه موضوع جای داده است،² اما اولاً گاه چنین روابطی میان الفاظ وجود ندارد و گاه آمار ارائه شده صحیح نیست. وی پس از تطبیق درست واژه‌های «دنیا و آخرت» و «ملائکه و شیطان» درصدد برآمد تا پژوهشهای خود را درباره دیگر الفاظ کتاب خدا نیز تکرار کند؛ اما از آنجا که نتایج کار در اغلب موارد دقیق نبودند، سخنان وی با توجیهات گوناگون همراه شد، تا تئوری اعجاز عددی نخست برای نفس نظریه پرداز، و در مرتبه دوم برای مخاطبان این نظریه، پذیرفتنی جلوه کند.

1. أعراف، 187.

2. 1- موضوعات مثل و مانند؛ 2- موضوعات متقابل و متضاد؛ 3- موضوعات مرتبط

سومین دوواژه‌ای که وی، پس از دوواژه‌های «دنیا و آخرت» و «ملائکه و شیطان»، بررسی می‌کند، واژه‌های «حیات» و «موت» است که عبدالرزاق معتقد است این دو واژه و مشتقات آنها به‌طور برابر و هر کدام 145 بار در قرآن به کار رفته‌اند. این رقم به هیچ وجه صحیح نیست، زیرا واژه «حیات» و مشتقات آن بیش از 240 بار؛ و واژه «موت» و مشتقات آن 165 بار تکرار شده‌اند، یعنی حدود 80 مرتبه کمتر از واژه حیات. بنابراین می‌کوشد این رقم را توجیه کند و می‌گوید: هرجا «حیات» به حیات زمین مرتبط باشد، تکرار آن را به حساب نمی‌آوریم و هرجا به حیات خلق ارتباط داشت، آن را با همه مشتقات آن می‌آوریم (نک: نوفل، 10) گزینشی عمل کردن، از این سخن هویداست؛ اما به همین نیز پایبند نیست و مثلاً واژه «حیوان» (به معنی زندگی) در آیه 64 سوره عنکبوت و نیز همگی مشتقات باب استفعال این ریشه مانند «یَسْتَحْيِي» (به معنی زنده نگاهداشتن) در آیه 4 سوره قصص را به شمار نیاورده؛ یا واژه «مَحْيَا» را در آیه 162 سوره انعام به حساب آورده، اما همین واژه را در آیه 21 سوره جاثیه به شمار نیاورده است.

همچنین «بَعَثَ» را با «صراط» سنجیده و نتیجه می‌گیرد که هر کدام 45 بار به کار رفته‌اند (نک: همان، 31-34) اما اولاً روشن نیست چرا این دو واژه را انتخاب کرده و مثلاً بعث را با قیامت یا حشر نسنجیده است؛ و ثانیاً تعداد واژه «بعث» و مشتقات آن کمتر از 45 مرتبه است، بنابراین نوفل مترادفهای آن را نیز افزوده است. اما همین کار نیز گزینشی است و مثلاً فعل «يَقُومُ» را برگزیده که دوبار به معنای «بعث» به کار رفته، در حالی که این فعل با مشتقات آن بارها به معنای «بعث» به کار رفته و اساساً واژه «قیامت» از همین ریشه است.

نمونه دیگر دو واژه «اسراف» و «سرعة» است که آنها را در موضوعات متضاد قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که هر کدام 23 مرتبه در قرآن تکرار شده‌اند. اما روشن نیست این دو واژه چه تضادی با هم دارند؟ مرحوم یزدانی می‌نویسد: آیا نویسنده می‌خواهد بگوید اسراف توأم با سرعت است؟ یا نباید با سرعت اسراف کرد و یا اسراف موجب نابودی سریع است و یا مسرف با سریع‌العقاب طرف خواهد بود؟ دو احتمال اول معقول نیست و دو احتمال دوم می‌طلبد تا اسراف را با واژه «عقاب» و «هلاکت» بسنجیم، نه با

70

واژه «سرعت» (یزدانی، 4) به نظر می‌رسد که علت انتخاب این دو واژه، نزدیکی ریشه‌های این دو کلمه و ذکر پشت سرهم آنها در ترتیب معجم است! همچنین وی معتقد است که لفظ «ابلیس» و «استعاده» از ابلیس، هر کدام 11 مرتبه در قرآن به کار رفته است. این در حالی است که لفظ «ابلیس» 11 مرتبه در قرآن آمده است، اما «استعاده» (در باب استفعال) تنها 4 بار و مجموع کاربردهای این ماده، 17 مرتبه است، که هیچ‌کدام با عدد 11 ارتباطی ندارد.

و آخرین نمونه از این کتاب، دو واژه «الضَّالُّونَ» و «المَوْتَى» است که عبدالرزاق تکرار هر کدام را 17 مرتبه می‌داند (نک: نوفل، 135-136) در اینجا نیز روشن نیست ارتباط گمراهان با مردگان چیست؟ آیا تنها گمراهان می‌میرند یا تنها مردگان، گمراهند؟ نزدیکترین ارتباط مسبوق به ذهن آن است که منظور از مردن، مرگ معنوی باشد؛ اما با بررسی 17 مورد این واژه، در می‌یابیم که تنها 2 مورد آن مربوط به مرگ معنوی است.

3- ابو زهرا نجدی و اعجاز عدد 12

از نمونه‌هایی که این قرآن‌پژوه شیعی مصر ذکر می‌کند و به مسأله خلافت اهل بیت (ع) مربوط می‌شود، مثال‌های زیر است: تعداد تکرار واژه «امام» و مشتقات آن، «خلیفة» و مشتقات آن، «وصیة» و مشتقات آن، «شهادة» و مشتقات آن، «بعصم» و مشتقات آن، «شیعه» و مشتقات آن، «اجتبی» و مشتقات آن، «رهبان» و مشتقات آن، «نجم» به صورت مفرد و جمع همه، عدد 12 است و این دلیل حقانیت پیروان ائمه اثنا عشر (ع) است (نک: یزدانی، 67).

اگر این دیدگاه را با دقت بیشتری بررسی کنیم، در می‌یابیم آیاتی که در آنها کلمه «إمام» (به صورت مفرد و جمع: ائمه) آمده، 12 آیه است؛ نویسنده در اینجا تنها واژه امام و جمع آن را مورد نظر قرار داده و دیگر کلمات از این ریشه (مانند أَمَّة، أَمَم و...) بررسی نشده‌اند؛ حال آنکه در مورد واژه «شیعه» همه کلمات هم‌ریشه را معیار قرار داده است. آیاتی که کلمه «شیعه» و مشتقات آن در آنها آمده، 12 آیه است، ولی با احتساب

آيَةُ «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱ که این فعل به معنای "شایع شدن" است.

در مورد «خلیفه» و مشتقات آن، چون به عددی بسیار بیشتر از نصاب لازم رسیده است، می‌نویسد: «ورد لفظ خلیفه و مشتقاتها من الاسماء فی حالة المدح، 12 مرة». چنانکه مشهود است، قید «در حال مدح» نوعی گزینش است، چرا که واژه «إمام» را با همه معانی مدح و ذم معیار قرار داده است.

در مورد واژه «وصیة» می‌نویسد: «آنچه وصیت رسول خدا (ص) را درباره اینکه ائمه پس از ایشان 12 نفرند تأکید می‌کند، آمدن 12 مرتبه واژه «وصیة» از خدای متعال به خلق است». اما واژه «وصیة» و مشتقات آن در قرآن 32 مرتبه آمده است و او با تکلفاتی نظیر «از خدای متعال به خلق» می‌کوشد به عدد 12 برسد.

4- روشی شگفت‌آور در کتاب «أسرع الحاسبین»

شیوه‌ای عجیب و باورنکردنی که «عاطف علی صلیبی» در کتاب «أسرع الحاسبین» در پیش گرفته و زحمت بسیاری برای رسیدن به نتایج خود متحمل شده، بدین صورت است که برای حروف واژه‌های قرآنی سه نوع رمزنگاری عددی ابداعی، همچون حساب ابجد، در نظر گرفته و برای آیات گوناگون، یک یا دو یا هر سه حالت رمزنگاری را برگزیده و از این راه مجموع عددی الفاظ را بدست آورده است. سپس به جمع و تقسیم یا ضرب اعداد پرداخته، یا اعداد را در کنار هم ردیف کرده و گاه چینش اعداد را عکس کرده و کوشیده تا به هر صورت میان آنها رابطه‌ای برقرار کند و اعجاز آن را نشان دهد، یا آنها را مضربی از عدد 19 قرار دهد. نمونه مورد علاقه مؤلف، آیه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»^۲ است که با رمزنگاری عددی او، جمع اعداد آن 730 است؛ یعنی دقیقاً دو سال شمسی.

نویسنده در عین حال، با رشاد خلیفه و بهائیت به شدت مخالف است و آنها را به‌خاطر تقدیس عدد 19 و تقسیم سال به 19 ماه و ماه به 19 روز سرزنش می‌کند و با روش حساب خود، آرای آنان را رد کرده است (نک: صلیبی، 145) کوششهای این

1. نور، 19.

1. بقره، 233.

72

مؤلف و انواع جمع و ضرب و تقسیم اعداد گاه تا چندین رقم، بهراستی آدمی را حیرت زده می کند.

اما بهراستی، آیا از این راه، رمزهای قرآن گشوده می شود و اعجاز آن بهتر نمایان می گردد؟ از جمله نتایجی که این مؤلف به آن دست یافته، این پندار است که اصحاب کهف تنها 11 سال در غار بودند، نه بنا بر آیه 25 سورة کهف: «وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا»، که این زمان را 309 سال می داند. دلیل این نظر مؤلف آن است که در آیه بعدی می فرماید: «قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نک: همان، 254-257) و همچنین مدت نبوت حضرت نوح و فراخواندن مردم به توحید تنها 17 سال بود، نه 950 سال بر اساس آیه 14 سورة عنکبوت (نک: همان، 268-273) عاطف صلیبی این نتایج را با بهره از رمزنگاری عددی خود به دست آورده و تناقض صریح آن با آیات قرآن آشکار است.

5- رونوشتی شیعی از کتاب «أسرع الحاسبین»

محمد محمد هویدی در کتاب «أسرار القرآن الرقمية فی آیات العترة النبوية» که آن را به تأسی از کتاب صلیبی نوشته، سعی دارد از طریق اعجاز اعداد در قرآن کریم، حقانیت اهل بیت (ع) را اثبات کند و جالب آن است که خود در توضیح روش محاسبات کتابش، به یکسان نبودن محاسبات و پیروی نکردن از یک قاعده معین اذعان دارد. وی در این کتاب همانند صلیبی اعداد را در کنار هم می چیند، سپس آنها را گاه با یکدیگر جمع می کند، مثلاً شماره آیه تطهیر 33 است، و رقم سوره نیز 33، پس آنها را کنار هم ردیف می کنیم: 3333، سپس همه را با هم جمع می کنیم: $12 = 3 + 3 + 3 + 3$ ، که این رقم به تعداد ائمه (ع) اشاره دارد. یا تعداد حروف «بسم الله الرحمن الرحيم» 19 حرف است؛ پس: $10 = 1 + 9$ ، که برابر است با سال دهم هجرت و عید غدیر؛ سپس آنها را از هم کم می کنیم: $8 = 1 - 9$ ، یعنی سال فتح مکه؛ سپس ضرب می کنیم: $9 = 1 \times 9$ ، یعنی غزوه تبوک و جانشینی امام علی (ع) به جای پیامبر اکرم (ص) در مدینه (نک: هویدی، 10-11) با این روش همه اعداد وجهی پیدا خواهد کرد و همه می شود اعجاز!

همچنین اگر شماره آیه تطهیر را از تعداد حروف «بسم الله الرحمن الرحيم» کم کنیم: $14 = 19 - 33$ ، تعداد چهارده معصوم به دست می آید؛ و با جمع $5 = 1 + 4$ ، تعداد اصحاب کساء. از سوی دیگر، عدد ابجدی حروف صلوات (اللهم صلّ علی محمد وآل

محمد) است که برابر است با عدد 548، پس: $5+4+8=17$ ، یعنی 17 ربیع الاول و همچنین تعداد رکعات نمازهای واجب روزانه؛ همچنین، تعداد حروف صلوات 21 است، که عکس آن می‌شود 12، یعنی دوباره تعداد ائمه (ع).

سخن ما این است که به هر حال هر عددی به چیزی اشاره دارد؛ یکی به تعداد گروهی از افراد، مانند تعداد ائمه (ع) یا اصحاب کساء (در شیعه) یا تعداد خلفا یا 10 صحابی بشارت داده شده به بهشت (در اهل سنت)؛ و دیگری به یک زمان یا مکان خاص؛ مانند سال تولد یا وفات پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ و دیگری به تعداد حروف آیات یا سوره‌های قرآن، و طبیعی است که با چینش عدد حروف آیات و الفاظ قرآن کریم در کنار هم و جمع و ضرب و تقسیم آنها، دهها عدد به دست می‌آید و با افزودن حساب ابجد قدیم و ابداعات جدید، این اعداد سر به فلک می‌گذارد، اما آیا این را باید اعجاز قرآن دانست؟! آیا با این روش می‌توان حقانیت اسلام یا تشیع را اثبات کرد؟

از این رو می‌بینیم که این مؤلف، به‌خاطر ولایت‌مداری و ارادت به امام عصر (عج)، چندین اعجاز عددی از آیات قرآن، فقط مختص به امام زمان (عج) کشف کرده است. ناگفته پیداست که اگر وی یک مؤلف سنی بود، همه این اعجازها را برای اشخاص دیگری کشف می‌کرد. اما آنچه اعجاب و تحسین خواننده این کتاب و کتابهای مشابه را بر می‌انگیزد، زحمات فراوان و تلاش چندین ماهه برای جمع و ضرب و آمارگیری از آیات کتاب خداست که به‌راستی جای قدردانی دارد.

6- تلاشهای تحسین برانگیز عبدالدائم الکحیل پیرامون عدد 7

این نویسنده بیش از 30 کتاب و مقاله در مورد اعجاز عددی قرآن دارد و خود دانشنامه‌ای در اعجاز عددی فراهم آورده است. شاید بتوان گفت تلاشهای وی پیرامون اثبات اعجاز عدد 7 در قرآن کریم، موفق‌ترین نتایج را داشته است؛ زیرا وی می‌کوشد تلاشهای خود را بر مبانی استوار، بنا کند و معتقد است که روش پژوهش باید قاعده‌مند باشد؛ نه اینکه در یکجا اعداد در یکدیگر ضرب شوند، در جای دیگر، جمع و در جایی دیگر تقسیم. بنابراین بر رشاد خلیفه و بسام جرار، به‌خاطر استفاده نابجا از حروف ابجد خرده می‌گیرد و معتقد است که رشاد خلیفه، برای اثبات اینکه مجموع تعداد حرف «ن» در سوره «ن والقلم» ضریب 19 است، حرف «ن» در «بسم الله الرحمن الرحیم» را به

74

حساب آورده، و حرف مقطعه را به صورت «نون» نوشته تا 2 حرف «ن» شمرده شود و به عدد 133 برسد، و این روشی است گزینشی و بیرون از قواعد پژوهشی (نک: الکحیل، 37).

وی بر این باور است که پژوهشهای اعجاز عددی باید در سه قسم داده‌ها، روش پژوهش و نتایج بحث از قواعد ثابتی پیروی کند؛ مثلاً نتایج این پژوهشها، نباید به ادعای علم غیب بینجامد؛ چنان که رشاد خلیفه چنین ادعاهایی کرد. وی از اینکه مثلاً تعداد آسمانها و زمین 7 عدد است؛ یا روزهای هفته 7 روز است؛ یا طواف به دور خانه کعبه 7 بار است، نتیجه می‌گیرد که خداوند این عدد را بر اعداد دیگر برتری داده است، همانطور که برخی انسانها یا برخی مکانها را بر هم‌نوعان خود برتری داده است (نک: همان، 42). ویژگی مثبت مؤلف در بهره بردن اندک از حروف ابجد، و استفاده از روش شمارش حروف واژه‌های قرآنی است؛ برای نمونه، تعداد حروف عبارت «الله لا إله إلا هو» 14 عدد است که مضربی از 7 است و اگر اعداد واژه‌ها را در کنار هم بچینیم، عدد (23324) به دست می‌آید، که باز مضرب 7 (3332 ضربدر 7) است. از نمونه‌های جالب این کتاب، تعداد حروف الله (ا ل ه) در سوره فاتحه است، که با چینش اعداد این حروف در کنار یکدیگر، عددی به دست می‌آید که مضرب 7 است و عکس آن نیز مضرب 7 است. مؤلف معتقد است که شاید اشاره قرآن درباره این سوره به «سبع المثانی»، با این نتیجه ریاضی تطابق داشته باشد، یعنی نظام عدد 7 در این سوره دوگانه است (نک: همان، 98).

عبدالدائم الکحیل بر این باور است که این نظام همه کلمات، آیات و سوره‌های قرآن را در بر می‌گیرد و در کتاب «معجزة القرآن فی عصر المعلومات» بیش از 70 نمونه این اعجاز را ذکر می‌کند (نک: همان، 69). اشکال اساسی نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد که مؤلف نتایج 70 نمونه قرآنی را بر تمامی 6234 آیه قرآن تعمیم می‌دهد؛ حال آنکه به باور ما، این نتایج تنها نشان‌دهنده برخی شگفتیهای تناسب اعداد در قرآن کریم است و نباید آن را بر همه آیات کتاب خدا تعمیم داد.

نتیجه

ما معتقدیم که آیات قرآن کریم حاوی اشارات و لطائف و ظرائفی است که متفکران و اندیشمندان را غرق در اعجاب و تحسین می‌کند؛ به گونه‌ای که هزاران نکته از آنها

متولد می‌شود و هیچ موضوعی نیست، مگر آنکه می‌توان پیرامون آن، به آیه یا آیاتی از قرآن استشهاد کرد و این است وجه اعجاز قرآن. برای درک و شهود این نکته باید به توصیه‌های خود قرآن عمل کرد. در غیر این صورت، از قرآن بهره‌ای نبرده و برای کشف اعجاز آن ناچار به بیراهه کشیده می‌شویم. بیراهه‌هایی که زیان آن به هیچ وجه قابل جبران نیست؛ زیرا از دست دادن گوهر عمر است؛ چنان‌که در این وادی، کسانی سی سال عمر صرف کرده‌اند و هیچ نتیجه‌ای نبرده‌اند.¹ در حالی که اگر این مقدار عمر را صرف حفظ و فهم و تفسیر قرآن می‌کردند، به مقامات شامخی نائل می‌شدند. باید افزود که مسلمانان مخلص و غیرتمندی که برای دفاع از دین خود و خدمت به کتاب آسمانی‌شان، خواسته‌اند از طریق نظریه اعجاز عددی، مردم دنیا را به دین الهی دعوت کنند، به‌درستی دریافته‌اند که قرآن عقل انسان را مخاطب خود قرار می‌دهد و او را به سیر در آفاق و انفس فرا می‌خواند. قرآن کتاب فالگیری و بازی با اعداد نیست - گر چه ممکن است نتایج بررسی‌های آیات قرآن کریم، با برخی اعداد ریاضی همخوان باشد - بنابراین انتظار اعجاز اعداد از قرآن، توقعی نابجاست و نمی‌توان پذیرفت که خدای متعال با بندگان خود از طریقی عوام‌فریبانه سخن گفته باشد. اعجاز قرآن در نگاه نخست و برای اعراب جاهلی صدر اسلام و مردمان هنرجوی دورانهای بعد، در زیبایی‌های شگفت‌آور ظاهری و تأثیرگذار آن، اعم از بلاغت و هماهنگی‌های صوتی و عددی و... است؛ و در نگاه عمیق و موشکافانه، معارف و دانشهای والای الهی آن.

فهرست منابع

1. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، بیروت، دار المعرفة، الطبعة الثانية، بی تا؛
2. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، الطبعة الثانية، 1414 هـ. ق؛
3. خلیفه، رشاد، اعجاز قرآن، ترجمه: سید محمدتقی آیت الهی، انتشارات دانشگاه شیراز، دیماه 1365؛

1. چنانکه در روایتی از رسول اکرم (ص) چنین افرادی بی‌بهره خوانده شده‌اند: عن ابن عباس قال: «إن قوما ينظرون فی النجوم وفی حروف أبی جاد قال: أری أولئک قوما لا خلاق لهم.» (نک: طبرانی، 35/11؛ بحار الأنوار، 277/55).

- 76 4. همو، *قرآن آخرین کتاب آسمانی*، ترجمه: بهروز مفیدی شیرازی، لوس آنجلس، انجمن اسلامی آمریکا، 1374/1995؛
5. سیوطی، جلال الدین، *الایقان فی علوم القرآن*، تحقیق: سعید المندوب، لبنان - دار الفکر، الطبعة الأولى، 1416 هـ. ق/1996؛
6. شکری، احمد خالد، *مقولة الاعجاز العددي دراسة نقدية*، دار الفؤانی للدراسات القرآنية، دمشق 1429 هـ. ق/2008؛
7. صلیبی، عاطف علی، *أسرع الحاسین*، دار الاوائل، دمشق، الطبعة الأولى، 2002؛
8. صنعانی، عبدالرزاق، *المصنف*، چاپ حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت، انتشارات المکتب الاسلامی، 1391 هـ. ق/1972؛
9. طباطبائی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، قم؛
10. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، چاپ حمدي عبدالمجید السلفی، دار إحياء التراث العربی، بی تا؛
11. الکحیل، عبدالدائم، *آفاق الاعجاز الرقمي فی القرآن الکریم*، دمشق، دار وحی القلم، الطبعة الاولى 1427 هـ. ق/2006؛
12. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، مؤسسة الوفاء - بیروت - لبنان، 1403 هـ. ق/1983؛
13. میرمحمدی زرندي، سيد ابوالفضل، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، مؤسسه انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، 1420 هـ. ق؛
14. میرباقری، سیدمحسن و فاطمیان، سید مهدی، «تناسب های اعجاز عددي»، همشهری جوان، ضمیمه قرآنی، 21 اسفند 1387؛
15. مؤدب، سید رضا، «اعجاز نه، شگفتی»، همشهری جوان، ضمیمه قرآنی، 21 اسفند 1387؛
16. مکارم شیرازی، ناصر، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، بی تا، بی جا؛
17. نکونام، جعفر، «توهم اعجاز در تناسب اعداد»، همشهری جوان، ضمیمه قرآنی، 21 اسفند 1387؛
18. نوفل، عبدالرزاق، *الاعجاز العددي للقرآن الکریم*، دار الكتاب العربی، بیروت، الطبعة الخامسة، 1407 هـ. ق/1987؛
19. هویدی، محمد، *أسرار القرآن الرقمية فی آیات العترة النبوية*، دار المحجة البيضاء، الطبعة الاولى، 1427 هـ. ق/2006؛
20. یزدانی، عباس، *اعجاز عددي و نظم ریاضی در قرآن*، کیهان اندیشه (ص 62-84)، پیاپی: 67، مرداد 1375؛
21. سایت «کانون گفتمان قرآن» <http://www.askquran.ir>، مقاله «نقد اعجاز عددي قرآن».

Bibliography

1. Ibn Hajar Asqalani, *Fath al-Bari*, Dar al _Ma'rifa, Beirut, 2nd edition;
2. Al _ Kahil, Abd al-Da'im, *Afaq al-I'jaz al-Raqami fi'l Quran al-Karim*, Dar Wahy al-Qalam, Damascus, 2006;
3. Hurr Amili, *Wasail al- SHi'a*, Muassasa Al al-Bayt, 1414A.H;
4. Khalifa, Rashad, *I'Jaz al- Quran*, Shiraz University press, 1986;
5. Suyuti, Jala al-Din, *al-Itqan fi 'Ulum al- Quran*, Dar al-Fkr, Lebanon, 1996;
6. Tabarani, *al-Mu'jam al-Kabir*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi;
7. Majlisi, Muhammad Baqir, *Bihar al-Anwar*, Muassasa al-Wafa', Beirut, 1983;
8. San'ani, Abd al-Razzaq, *al-Musannaf*, al-Maktab al-Islami, Beirut, 1972;
9. Tabatabai, Muhammad Husayn, *Tafsir al-Mizan*, Jamia al-Mudarrisin publication, Qum;
10. Makarim Shirazi, Nasir, *al-Amthal fi Tafsir Kitab i-llah al-Munazzal*, n.d;
11. Nawfal Abd al-Razzaq, *al-I'Jaz al-Adadi li'l Quran al-Karim*, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut, 1987;
12. Huwaydi, Muhammad Muhammad, *Asrar al-Quran al-Raqamiyya fi Ayat al-Itra al-Nabawiyya*, Dar al-Mahajja al-Bayda, 2006.